

تحلیل قواعد دادرسی مدنی در فرض تعدد اصحاب دعوا

علی طهماسبی *

چکیده

در فرض تعدد اصحاب بالقوه دعوا، مسائل ظریفی از منظر حقوق دادرسی قابل طرح است که می‌تواند ورود دادرس به ماهیت دعوا را با چالش قانونی مواجه کند. در فرض وجود رابطه تضامن میان خواهان‌ها، هریک از آنان می‌تواند منفرداً علیه خواننده دادخواهی نماید. در صورت فقدان رابطه تضامن، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته در امکان یا عدم امکان دادخواهی انفرادی خواهان‌ها نقش تعیین‌کننده دارد و ملاک ورود یا عدم ورود دادرس به ماهیت دعواست. در حقوق ایران اشخاص متعدد دارای مسائل حکمی و موضوعی یکسان یا مشترک نمی‌توانند در یک دادخواست علیه خواننده مشترک اقامه دعوا نمایند. اما در حقوق آمریکا چنین سازوکاری با عنوان توأم شدن اختیاری یا اجباری خواهان‌ها و خوانندگان پیش‌بینی شده است. فقدان چنین نهادی در حقوق ایران ناکارآمدی، اتلاف منابع و گاه مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی را در پی دارد. در فرض تعدد خواننده و مسئولیت تضامنی آنان، خواهان می‌تواند علیه همه یا برخی از ایشان دادخواهی کند. اما در صورت فقدان مسئولیت تضامنی، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته ملاک جواز یا عدم جواز دادخواهی علیه بعضی از خوانندگان است. همچنین هرگاه در یک دعوای بالقوه خواهان‌ها و خوانندگان متعدد باشند، بر حسب رابطه تضامن میان خواهان‌ها و خوانندگان و فقدان تضامن میان ایشان و قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته، فروض مختلفی قابل ترسیم است که تابع احکام قانونی متفاوتی خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: دعوای فردی، تعدد خواهان‌ها، تعدد خوانندگان، قابلیت تجزیه، توأم شدن اختیاری.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22106/zlj.2017.26777

A.tahmasebi.7@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه رازی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۷/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۴/۱۵

به طور معمول در دعاوی حقوقی، یک خواهان دعوایی علیه خوانده اقامه می‌کند. به همین دلیل قسمت عمده قواعد دادرسی در مورد دعاوی تک‌خواهانه است. اما در مواردی ممکن است طرفین بالقوه اختلاف بیش از یک شخص باشند. بدین معنا که از یک طرف اشخاصی که حقتشان تضییع یا انکار شده بیش از یکی هستند و از طرف دیگر ممکن است خواندگان بالقوه متعدد بوده یا هر دو طرف دعوا اعم از خواهان و خوانده متعدد باشند. در تمام فروض سه‌گانه، مسائل جالبی از منظر حقوق دادرسی قابل تصور است که باید وضعیت آن با توجه به احکام قانونی مشخص گردد. باید دید در فرض تعدد خواهان‌های بالقوه، آیا همه باید دادخواهی کنند یا دادخواهی جمعی آنان ضرورت ندارد و هریک مستقلاً می‌توانند برای کل خواسته یا به نسبت سهم خود طرح دعوا کنند. در صورت لزوم دادخواهی جمعی، دادگاه در مورد دعاوی انفرادی آنان باید چه تصمیمی اتخاذ نماید؟ اصولاً وجود رابطه تضامن میان خواهان‌ها و نیز قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته در این موارد چه نقشی دارد و تأثیر آن بر تصمیماتی که دادگاه اتخاذ می‌کند، چیست؟ همچنین اگر چند شخص علیه خوانده یا خواندگان مشترک، ادعاهای یکسانی داشته باشند، بدون اینکه ارتباطی بین آنان باشد، آیا می‌توانند به موجب یک دادخواست طرح دعوا نمایند یا تقدیم دادخواست‌های مجزا اجتناب‌ناپذیر است؟ برای مثال فرض کنید کارخانه‌ای در یک شهرستان به موجب قراردادهای کاملاً مشابه، صد دستگاه خودرو، به صد نفر از اهالی آن شهرستان می‌فروشد. متعهد خودروها را در تاریخ مقرر به خریداران تحویل نداده، سه ماه تأخیر دارد. اگر خریداران به جهت تأخیر متعهد در ایفای تعهد، در صدد مطالبه وجه التزام مقرر در قرارداد برآیند، آیا باید هریک به موجب یک دادخواست جداگانه دادخواهی نمایند یا می‌توانند به صورت جمعی در یک دادخواست اقامه دعوا کنند؟ اساساً آیا در قواعد دادرسی مدنی ایران، سازوکاری برای این وضعیت پیش‌بینی شده یا باید آن را تابع عموماً آیین دادرسی شمرد؟ به علاوه، آیا از منظر علم اقتصاد و کارایی، می‌توان توجیهی برای لزوم تقدیم دادخواست‌های جداگانه و طرح دعاوی متعدد یافت؟ در قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی آمریکا، توأم شدن خواهان‌ها پیش‌بینی گردیده است (قواعد ۱۹ و ۲۰ از قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی). به موجب قاعده ۲۰ گاه طرح دعاوی متعدد به وسیله خواهان‌ها، به صلاحدید خود آنان واگذار شده و به همین دلیل از آن به توأم شدن اختیاری خواهان‌ها^۱ تعبیر می‌گردد. اما گاهی لزوم دادخواهی جمعی

خارج از اختیار آنان بوده، سخن از توأم کردن اجباری^۱ ایشان در میان است (قاعده ۱۹). در هر حال، نگاه آسیب‌شناسانه به قواعد شکلی موصوف در حقوق ایران مطالعه تطبیقی را در این زمینه اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و به همین دلیل در نوشتار حاضر چنین رویکردی دنبال خواهد شد. همچنین اگر خوانندگان بالقوه متعدد باشند، آیا خواهان باید علیه همه آنان اقامه دعوا نماید یا می‌تواند علیه بعضی از آنان برای همه یا قسمتی از خواسته دادخواهی کند؟ مسئولیت تضامنی خوانندگان و قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته چه نقشی در این خصوص ایفا می‌کند؟ بدین ترتیب این نوشتار در صدد است تا ضمن تبیین احکام قانونی ناظر بر فرض تعدد طرفین دعوا، برخی خلأهای حقوق ایران را مورد بررسی قرار دهد تا شاید در اصلاح قانون آیین دادرسی مدنی مورد توجه واقع شود. لذا در عین حال که رویکردی عمدتاً اثباتی داشته و به تبیین وضعیت موجود می‌پردازد، از رویکرد هنجاری هم غافل نبوده، ضمن آسیب‌شناسی قواعد حاکم بر این موضوع، در صدد ارائه بایدهای برای حقوق ایران است تا در اصلاحات آتی قواعد دادرسی مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرد. در ادامه ابتدا مدل پایه دادخواهی، سپس فروض تعدد خواهان‌ها، تعدد خوانندگان و سرانجام تعدد هر دو بررسی می‌شود.

۱. وحدت خواهان

می‌توان از نظر تعداد طرفین دعوای حقوقی، یک مدل پایه یا ساده در نظر گرفت که به موجب آن، یک خواهان علیه یک خواننده دادخواهی و محکومیت او را از دادگاه درخواست می‌کند.^۲ قواعد دادرسی مدنی هم به طور معمول برای چنین فرضی پیش‌بینی شده‌اند و به همین دلیل می‌توان از این شیوه به عنوان «سنت دادخواهی تک خواهانه»^۳ یاد نمود.^۴ خواهان یا خواننده ممکن است شخص حقیقی یا حقوقی باشند. قانون آیین دادرسی مدنی ایران جز در موارد بسیار نادر، چندان به فرض تعدد خواهان‌ها نپرداخته و تبعاً چنین فرضی در ادبیات حقوقی داخلی هم جز در برخی موارد، مورد واکاوی قرار نگرفته است. حال آنکه به نظر می‌رسد که یکی از خلأهای عمده قواعد دادرسی مدنی در حقوق ایران، در این بحث نهفته است و همچنان که خواهد آمد، چه بسا قواعد فعلی نه تنها نتیجه مطلوبی در بر ندارند؛ بلکه ممکن است علاوه بر اتلاف بی‌دلیل منابع و هدر دادن وقت شاغلان دادگستری اعم از قاضی و غیره، موجبات مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی را فراهم آورد.

1. Compulsory joinder

2. Uzelac, Alan, Goals of Civil Justice and Civil Procedure in Contemporary Judicial Systems, 1st edition, Springer, 2014, p. 24.

3. Single plaintiff litigation

4. Anderson, Brian; and Andrew Trask, The Class Action Playbook, 1st Edition, USA, Oxford University Press, 2010, pp. 2-3.

۲. تعدد طرفین دعوا

بر خلاف مدل ساده دادخواهی که تنها یک خواهان و یک خواننده دارد، گاهی ممکن است چند خواهان یا خواننده بالقوه یا چندین خواهان و خواننده بالقوه وجود داشته باشد. دلیل بالقوه خواندن خواهان‌ها و خوانندگان آن است که احتمال دارد همه یا بعضی از خواهان‌ها اقدام به دادخواهی نکنند. در نتیجه آنان به صورت بالفعل خواهان محسوب نمی‌شوند یا در صورت دادخواهی، صرفاً علیه بعضی از خوانندگان دادخواهی نمایند. بنابراین اشخاصی که طرف دعوا قرار نگرفته‌اند، خوانده بالفعل نیستند. همچنین اگر در مباحث آتی از قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته سخن به میان می‌آید نه دعوا، به این دلیل است که هنوز دعوایی طرح نشده و چه بسا اصلاً اقامه هم نگردد. به هر حال لازم است احکام قانونی فروض مختلف تبیین گردد.

۱-۲. تعدد خواهان‌ها

ممکن است خواهان بیش از یک شخص باشد. در این صورت هرگاه همه آنان تصمیم بگیرند دادخواهی کنند و نامشان در دادخواست قید گردد، مشکلی بروز نمی‌کند و از این جهت فرقی با فرض واحد بودن خواهان ندارد. اما اگر صرفاً بعضی از آنان دادخواهی کنند، بسته به اینکه رابطه تضامن بین آنان وجود داشته باشد یا نه و در فرض اخیر خواسته قابل تجزیه یا غیرقابل تجزیه باشد، احکام متفاوتی بر آن بار می‌گردد. زیرا در هر دادرسی، تنها می‌توان نسبت به اشخاصی رأی صادر کرد که طرف دعوا باشند و در نتیجه هرگاه دعوایی مطرح گردد که تمام اشخاص ذی‌نفع در دادرسی، به علت عدم دادخواهی له یا علیه ایشان، امکان حضور در آن نداشته باشند، نمی‌توان آن دادرسی را منطبق با موازین حقوقی دانست.

۱-۱-۲. تضامن خواهان‌ها

هرگاه میان خواهان‌ها رابطه تضامن وجود داشته باشد، همه یا بعضی از آنان می‌توانند علیه خوانده دادخواهی نمایند، اعم از اینکه خواسته قابل تجزیه یا غیرقابل تجزیه باشد. چنان که اگر در قراردادی وجود رابطه تضامن میان طلبکاران شرط شود، هر یک از آنان می‌تواند علیه خوانده دادخواهی نموده، محکومیت او را از دادگاه بخواهد. برای مثال اگر دو نفر یک واحد آپارتمان خریداری نمایند و به علت مسافرت‌های متعدد هریک از آنان به خارج کشور، به طور معمول نتوانند همزمان در ایران باشند، ممکن است در قرارداد شرط کنند که هریک از آنان می‌تواند تسلیم مبیع را از فروشنده مطالبه نماید، در این فرض قبض مبیع به وسیله هر خریدار، علاوه بر تصرف مادی سهم خود، تصرف سهم شریک دیگر را هم در پی دارد و لذا اگر دادگاه در صدد رسیدگی

ماهوی و صدور حکم برآید باید قاعداً هر دو خریدار دادخواهی نمایند، اما به علت درج شرط تضامن آنان در قرارداد، هریک می‌توانند تسلیم مبیع را از فروشنده مطالبه کنند.

۱-۱-۲. توقف فعل زیان‌بار^۱

در مواردی میان خواهان‌ها رابطه تضامن وجود ندارد اما در صورت دادخواهی موفقیت‌آمیز هریک از آنان و محکومیت خوانده، حکم صادره به دیگر خواهان‌ها هم سود می‌رساند. برای مثال اگر پنج شخص مالک ملکی باشند که دیگری آن را غصب نموده، هریک از مالکین می‌توانند منفرداً علیه غاصب موصوف اقامه دعوا نموده اخراج او را از کل ملک بخواهند. در این فرض دادگاه نمی‌تواند به علت فقدان رابطه تضامن میان مالکان ملک، دعوا را قابل استماع نداند؛ زیرا خوانده با استیلا غیرقانونی بر ملک غیر، فعل نامشروعی انجام داده که جزء جزء آن مال را در تصرف خود گرفته و خواهان، متوقف شدن آن فعل را نسبت به سهم خود درخواست می‌کند. در عین حال اجابت خواسته او با خلع ید خوانده از تمام ملک ملازمه دارد و در نتیجه دیگر شرکا هم (خواهان‌های بالقوه) از آن بهره‌مند می‌شوند.^۲ بدیهی است خلع ید خوانده با تصرف خواهان در ملک مشاع ملازمه ندارد و تصرف مالکان ملک مشاع (از جمله خواهان) در آن، تابع احکام مربوط به تصرف در مال مشاع است (ماده ۴۳ ق.ا.ا.م).

۲-۱-۲. فقدان رابطه تضامن میان خواهان‌ها

حال باید فرض فقدان رابطه تضامن میان خواهان‌ها و تأثیر آن بر لزوم یا عدم لزوم دادخواهی جمعی ایشان را بررسی نمود؛ نظر به اینکه در این فرض، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته در استنباط احکام قانونی نقش بنیادین دارد، لذا مباحث را در دو فرض مستقل بررسی می‌کنیم.

۱-۲-۱-۲. قابل تجزیه بودن خواسته خواهان‌ها

اگر خواسته قابل تجزیه باشد، هر خواهان می‌تواند نسبت به سهم خود دادخواهی نماید و حضور دیگر خواهان‌ها در دادرسی ضروری نیست. برای مثال اگر سه تن به موجب قراردادی یک باب مغازه از یک نفر خریداری نمایند و بعداً شخصی به ولایت از یکی از خریداران ادعا کند، معامله نسبت به مولی علیه به علت مجنون بودن او در زمان معامله باطل بوده و دو خریدار دیگر نیز مدعی باشند معامله نسبت به آنان اکراهی بوده و ایشان آن را رد نموده و در صدد طرح دعوای اعلام بطلان معامله باشند، ولی محجور می‌تواند به تنهایی از

1. Injunction

۲. همانند فرضی که کارخانه‌ای با انتشار آلاینده‌ها در هوا باعث زیان عده زیادی می‌گردد و یکی از آنان توقف آن را درخواست می‌کند. بدیهی است در صورت موفقیت خواهان، زیان دیده‌های دیگر هم که به صورت بالقوه خواهان هستند، از نتیجه دادخواهی آن خواهان منتفع می‌شوند.

جانب مولی علیه طرح دعوا نماید و اعلام بطلان معامله را نسبت به سهم او درخواست کند؛ زیرا خواسته، قابل تجزیه است و علت بطلان معامله نسبت به هریک از خواهان‌ها، کاملاً جنبه شخصی دارد. این وضعیت در مورد دیگر خواهان‌ها هم، صادق است.

۲-۲-۱-۲. عدم قابلیت تجزیه خواسته خواهان‌ها

برخی معتقدند در حقوق ایران دعوای غیرقابل تجزیه نسبت به خواهان‌ها قابل تصور نیست و بنابراین در صورت تعدد خواهان‌ها، دادخواهی جمعی ایشان لازم نیست؛ بلکه هریک می‌توانند منفرداً اقامه دعوا نمایند^۱، اما به نظر می‌رسد عدم قابلیت تجزیه خواسته نسبت به خواهان‌ها قانوناً متصور است و چون در این صورت اتخاذ تصمیم در دادرسی در خصوص همه خواهان‌ها اجتناب‌ناپذیر است، باید همه دادخواهی نمایند و نامشان در دادخواست بیاید و آلا علی‌الاصول رسیدگی به دعوا قانوناً ممتنع بوده، با قرار عدم استماع روبرو می‌گردد.^۲ به این دلیل اگر در مثال فوق یکی از سه خریدار مدعی باشد معامله به علت نامشروع بودن جهت و تصریح به آن یا مالیت نداشتن مورد معامله باطل است، خواسته قابل تجزیه نیست؛ زیرا بنابر ادعای خواهان کل معامله باطل است و لاجرم قاضی باید نسبت به همه خواهان‌ها (خریداران) اقدام به صدور رأی نماید؛ به عبارت دیگر اگر قاضی دعوای خواهان را وارد دانسته، به علت نامشروع بودن جهت یا مالیت نداشتن مورد معامله، حکم به بطلان آن دهد، نه تنها نسبت به خواهان فعلی، بلکه نسبت به دو خواهان بالقوه دیگر هم، رأی داده و بدیهی است بدون حضور آنان در دادرسی، چنین تصمیمی قانونی نیست. در نتیجه اگر هر سه دادخواهی نکنند و نامشان در دادخواست قید نشده باشد، نمی‌توان به چنین دعوایی رسیدگی نمود. همین وضعیت در فرضی صادق است که یکی از خریداران مدعی انفساخ معامله بوده، اعلام کند قرارداد به دلیل تحقق شرط فاسخی که در قرارداد مورد توافق طرفین قرار گرفته^۳، منحل شده است.

۲-۲-۳. دعوای خواهان‌های متعدد علیه خواننده یا خواندگان مشترک

در بسیاری از موارد ممکن است اشخاص متعدد با خواسته یکسان (یا مشابه) در صدد دادخواهی علیه یک خواننده یا خواندگان مشترک باشند اما ادعای آنان ارتباطی با

۱. احمدی، خلیل، «مطالعه تطبیقی مفهوم و انواع دعوای بین اشخاص مختلف»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۴، ۱۳۹۳، صص. ۱۹ - ۱۸.

۲. قانون آیین دادرسی مدنی در مبحث واخواهی (ماده ۳۰۸)، تجدیدنظرخواهی (ماده ۳۵۹)، فرجام (ماده ۴۰۴) و اعتراض ثالث (ماده ۴۲۵) به تجزیه‌پذیری رأی اشاره کرده اما در مورد قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته حکم صریحی ندارد و تنها در بند ۲ ماده ۶۲، به خواهان‌های متعدد که هریک بخشی از خواسته را مطالبه می‌کنند، اشاره کرده است.

۳. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ چهارم، نشر حقوقدان، تهران، ۱۳۷۷، ص. ۵۶؛ کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی: قرارداد و ایقاع، چاپ یازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵، صص. ۴۵۵ - ۴۵۳.

هم ندارد؛ اعم از اینکه منشأ دعاوی آنان واحد یا متفاوت باشد. برای مثال فرض کنید ده نفر به موجب قراردادهای مجزا از یک پیش‌فروشنده ده واحد آپارتمان خریداری نموده‌اند و فروشنده در موعد مقرر از حضور در دفترخانه و تنظیم سند رسمی به نام آنان خودداری می‌کند. مفاد قراردادهای خریداران با پیش‌فروشنده دقیقاً یکسان بوده، فرقی با هم ندارند. به علاوه خواننده هم در تمام دعاوی مشترک است؛ بنابراین تمام خریداران ادعاهای مشابهی علیه خواننده یا خوانندگان مشترک دارند. حال باید دید آیا آنان می‌توانند در یک دادخواست طرح دعوا کنند تا به یک شعبه ارجاع شود و با توجه به وجود جهات حکمی و موضوعی واحد، سرنوشت یکسانی برایشان رقم بخورد. در ماده ۳۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری چنین نهادی پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده چنانچه اشخاص متعدد، شکایات‌های خود را به موجب یک دادخواست مطرح نمایند، در صورتی که شکایات مزبور منشأ و مبنای واحد داشته باشد، شعبه دیوان نسبت به همه موارد ضمن یک دادرسی اتخاذ تصمیم می‌نماید. در غیر این صورت، مطابق مفاد ماده قبل موارد به تفکیک و جداگانه رسیدگی می‌شود. اما در نظام دادرسی مدنی ایران هرچند در عمل دادگاه‌ها کمتر به جمع چند خواهان در یک دادخواست ایراد گرفته‌اند^۱ اما با توجه به اصل استقلال دعاوی، پاسخ این پرسش قانوناً منفی است و هر خریدار باید به موجب دادخواست جداگانه دعوای مستقلی علیه عهدشکن اقامه کند و تجمیع دعاوی آنان در یک دادخواست منتفی است. در نتیجه هر یک باید هزینه دادرسی جداگانه بپردازند، در صورت لزوم ارجاع به کارشناس، برای هر پرونده کارشناس یا کارشناسان جداگانه انتخاب و هزینه آن پرداخت گردد، وقت ده شعبه دادگاه صرف رسیدگی به دعاوی کاملاً یکسان گردد یا حتی در صورت ارجاع همه دعاوی به یک شعبه برای هر دعوا وقت جداگانه تعیین گردد و بدتر از همه اینکه ممکن است آرای دادگاه‌ها و حتی یک دادگاه در دعاوی متعدد با هم فرق داشته باشد بدون آنکه جهات حکمی یا موضوعی دعوا متفاوت باشد، در این صورت آیا جز مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی نتیجه دیگری عاید خواهد شد؟^۲ اساساً چرا نباید قواعد دادرسی در چنین فرضی به خواهان‌ها اجازه دهند ضمن پرداخت هزینه دادرسی قانونی، دعاوی متعدد را در یک دادخواست مطرح نمایند. در آن صورت آنان می‌توانند در میزان هزینه‌ها صرفه‌جویی کنند، زیرا در صورت لزوم تعیین کارشناس، تنها یک

۱. نمونه برجسته آن، دعوای مشهور خون‌های آلوده تزریقی به بیماران هموفیلی است که ۹۷۴ زیان‌دیده، به موجب

یک دادخواست اقامه دعوا نمودند. ر.ک: سیفی، سید جمال، «رای پرونده موسوم به هموفیلی‌ها: نگاهی نو به

مسئولیت مدنی دولت در رویه قضایی ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق، شماره ۸، ۱۳۸۴، صص. ۲۷۱ به بعد.

2. Efron, Robin, "Shadow Rules of Joinder", Georgetown Law Journal, Vol. 100, 2012, pp. 767-770.

کارشناس تعیین می‌گردد و در صورت اعتراض اصحاب دعوا به نظر او، موضوع به هیأت کارشناسان ارجاع می‌گردد نه اینکه در هر دعوا پای کارشناس و هیأت‌های کارشناسی متعدد به میان آید. به علاوه خواهان‌ها می‌توانند وکیلی برای خود انتخاب و هزینه‌های آن را میان خود تقسیم کنند. از طرف دیگر صرف این هزینه‌ها، سودی هم برای جامعه در پی ندارد و از منظر کلان، توجیه منطقی و اقتصادی ندارد.^۱

در قواعد ۱۹ و ۲۰ از قواعد فدرال آیین دادرسی مدنی آمریکا، نهادی با عنوان تجمیع (توأم شدن یا توأم کردن) خواهان‌ها پیش‌بینی شده که ممکن است اختیاری باشد^۲ و خواهان‌ها شخصاً تصمیم بگیرند با هم دادخواهی کنند یا توأم شدنشان اجباری بوده، دادگاه آنان را قهراً با هم توأم نماید. در فرض توأم شدن اجباری (قاعده ۱۹)، بحث خواهان ضروری^۳ و خواهان اجتناب‌ناپذیر^۴ به میان می‌آید که عدم حضور آنان، ممکن است منجر به رد دعوی خواهان گردد. به طور کلی هرگاه دادگاه نتواند بدون حضور شخصی به دعوا رسیدگی کند، حضور او الزامی و در نتیجه تجمیع خواهان‌ها (و حتی خواندگان) اجباری است.^۵ قاعده ۲۰ احکام مربوط به توأم شدن اختیاری خواهان‌ها را بیان کرده است. برابر این قاعده اشخاصی که منشأ دعوی‌شان واحد و دارای مسائل حکمی یا موضوعی مشترکی هستند، می‌توانند به عنوان خواهان در دادرسی حضور داشته باشند و لازم نیست هریک با تقدیم دادخواست‌های جداگانه به دادگاه‌های بعضاً مختلف، در پی رسیدن به مراد خود بر آیند.

۱-۲-۳-۱. فواید طرح دعوی خواهان‌های متعدد در یک دادخواست

الف) صرفه‌جویی در هزینه‌های طرفین از طریق به اشتراک گذاردن منابع دادخواهی هزینه‌های مختلفی از قبیل هزینه دادرسی، دستمزد کارشناس، دستمزد وکیل و غیره برای خواهان در بر دارد. لذا اگر وی خواستار ارجاع موضوع به کارشناس باشد (یا دادگاه ارجاع آن را به کارشناس لازم بداند)، خواهان باید هزینه موصوف را بپردازد و گاه ممکن است در نتیجه اعتراض به نظر کارشناس، موضوع به هیأت کارشناسان چندنفره ارجاع گردد و لازم باشد آنان درباره موضوع نظر دهند. بدیهی

۱. قواعد دادرسی مدنی در حقوق ایران، گاه انسان را به این باور می‌رساند که فرمالیسم محض در آن حاکم است و شکل‌ها باید به هر قیمتی رعایت گردند. در حالی که تحقق نتایج عادلانه و در عین سودمند به حال جامعه، دیر زمانی است جای فرمالیسم محض را گرفته و دیوان اروپایی حقوق بشر فرمالیسم افراطی در بعضی کشورهای اروپای شرقی و جنوبی را ناقض حق دادرسی منصفانه می‌داند. در این زمینه ر.ک:

Uzelac, Alan, *Goals of Civil Justice and Civil Procedure in Contemporary Judicial Systems*, 1st edition, Springer, 2014, pp. 24-25. □

۲. همانند آنچه در ماده ۳۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت، پیش‌بینی شده است.

3. Necessary plaintiff

4. Indispensable plaintiff

5. Kerley, Peggy; Joanne; Hames; and Paul Sukys, *Civil Litigation*, 5th Edition, Delmar Cengage Learning, 2009, pp. 125-126.

است اگر خواهان به نظر کارشناس معترض باشد، باید تمام این هزینه‌ها را بپردازد. همچنین اگر وی بخواهد با وکیلی برای پیگیری دعوا قرارداد منعقد نماید، باید شخصاً عهده‌دار هزینه‌های آن گردد. از یک طرف لزوم صرف چنین هزینه‌هایی می‌تواند به عنوان یک عامل بازدارنده در دادخواهی خواهان عمل کند و از طرف دیگر، عدم دادخواهی ایشان موجب جری تر شدن خوانده خواهد شد. به علاوه صرف چنین هزینه‌هایی از جانب خواهان‌های متعدد، اجتناب‌ناپذیر نیست و می‌توان در تمام دعاوی اظهارنظر در مورد موضوع دعوا را به یک یا چند کارشناس ارجاع داد و لازم نیست در هر دعوا نظر کارشناسان تکرار گردد. همچنین خواهان‌ها می‌توانند وکیل یا وکلای مشترک داشته، هزینه دستمزد آنان را بین خود سرشکن کنند.

(ب) استفاده بهینه از منابع دادگستری (و جامعه)

جامعه و طبیعتاً دادگستری دارای منابع محدودی است که نباید بیهوده آن را هدر داد. یکی از مشکلات قابل توجه دستگاه قضایی در کشور ما تعداد زیاد دعاوی‌ای است که همه روزه در دادگاه‌ها طرح می‌گردد و به نظر می‌رسد ناکارآمدی قوانین شکلی یکی از علل عمده آن است. در واقع اگر قوانین مطلوبی از سوی مقنن وضع می‌گردید چه بسا از حجم دعاوی تا حد زیادی کاسته می‌شد و طرح انبوه دعاوی، دادگاه‌ها را در مرز انفجار قرار نمی‌داد. گذشته از فقدان قدرت بازداندگی لازم در قوانین موضوعه، به نظر می‌رسد قواعد دادرسی در حقوق ایران بسیار کلاسیک مانده‌اند و تحولات روز دنیا اثری در آنها نداشته است. نیک پیداست اگر در جامعه‌ای قواعد حقوقی ناکارآمد باشند، پیشرفت اقتصادی آن بعید است، زیرا قوانین ناکارآمد، می‌توانند منابع جامعه را به طور کامل هدر دهند و خلاف هدف اولیه خود، عمل کنند. هر دعوایی، وقت اشخاص مختلف دولتی اعم از معاون ارجاع، قاضی، مدیر دفتر، منشی دادگاه، داورز، مأمور ابلاغ و غیره را می‌گیرد. در عین حال باید برای هر پرونده، اوراق متعدد شامل صورت جلسه، برگ اخطاریه، برگ دادخواست، پوشه و غیره مورد استفاده قرار گیرد که هیچ یک از آنها بدون هزینه نیست. با وجود راه‌های جایگزین کم‌هزینه‌تر، پذیرش چنین وضعیتی از منظر عقلی و اقتصادی دشوار است، زیرا می‌توان با صرف هزینه‌های اداری به مراتب کمتر، به نتیجه‌ای مشابه و حتی بهتر دست یافت (در بند بعد دلیل بهتر بودن نتایج تشریح می‌شود). چراکه اگر دعوای ده خواهان در یک دادخواست بیان شود، تنها در یک شعبه مورد رسیدگی قرار گرفته، در نتیجه صرفاً یک پرونده تشکیل می‌شود که در مقایسه با پرونده‌های متعدد، به پوشه، برگ صورتجلسه و برگ اخطاریه کمتری (تنها برای یک پرونده به خوانده اخطاریه ارسال می‌گردد نه ده مورد) نیاز خواهد بود و تنها یک قاضی، منشی، مدیر دفتر، داورز و غیره درگیر آن

می‌شوند، به علاوه اگر ده‌ها کارشناس در مورد یک موضوع در دعاوی متعدد اظهارنظر کنند، چه نتیجه مثبتی عاید جامعه خواهد شد؟ بر مجریان قانون پوشیده نیست که رسیدگی به دعاوی نیازمند اظهارنظر کارشناس و اتخاذ تصمیم نهایی در مورد آنها، گاهی سال‌ها بطول می‌انجامد و در واقع لزوم اظهارنظر کارشناس خود یکی از عوامل اصلی طولانی شدن زمان دادرسی است، بنابراین باید تا حد لزوم سعی در کاهش تعداد پرونده‌ها نمود تا برای هریک از دعاوی کارشناسی مجزا ضرورت نداشته باشد. لذا نهاد توأم شدن خواهان‌ها نه تنها باعث صرف‌جویی مقیاسی در هزینه‌های آنان می‌گردد، بلکه در بعد کلان هم، مصلحت جامعه را به نحو مطلوب‌تری تأمین می‌کند و می‌توان منابع حاصل از صرفه‌جویی در هزینه‌ها را در جاهای دیگری به کار گرفت.

ج) جلوگیری از صدور آرای متعارض و مخدوش شدن اعتبار دستگاه قضایی به طور معقول انتظار می‌رود که آرای دادگاه‌ها در مورد دعاوی دارای مسائل حکمی و موضوعی مشترک یکسان باشد. لذا در راستای دستیابی به چنین مطلوبی باید راهکارهای حقوقی لازم توسط سیاست‌گذاران اندیشیده شود تا آرای دادگاه‌ها در دعاوی مشابه، با هم فرق نداشته باشند. در غیر این صورت اسباب وهن دستگاه قضایی فراهم گردیده و اعتبار آن مخدوش می‌شود و نتیجتاً نارضایتی مردم را در پی خواهد داشت، زیرا هر عاقلی خواهد پرسید که چرا در مورد موضوعات مشابه تصمیمات متفاوتی اتخاذ می‌گردد. آیا این قضیه مصداق بارز ضرب‌المثل «یک بام و دو هوا» نیست؟ اگر در مثال فوق ده خواهان دارای وضعیت مشابه، علیه فروشنده دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی داده و دعاوی آنان به شعب متعدد ارجاع گردد، ممکن است بین آرای صادره از دادگاه‌ها تعارض وجود داشته، در یک پرونده فروشنده محکوم گردد و در دیگری خریدار، بدون اینکه جهات حکمی و موضوعی دعاوی با هم متفاوت باشد. اما اگر همه خواهان‌ها بتوانند در یک دادخواست دادخواهی کرده و پرونده واحدی برای دعاوی آنان تشکیل گردد، امکان تعارض آرا منتفی می‌گردد، در نتیجه صرف‌نظر از انطباق یا عدم انطباق رأی صادره با موازین قانونی، دست کم در تمام دعاوی نتیجه یکسانی برای خواهان‌ها رقم خورده، اعتبار دستگاه قضایی به جهت صدور آرای متعارض مخدوش نمی‌گردد.

۲-۱-۲-۴. فقدان دعاوی گروهی در حقوق ایران

نهاد مرتبط دیگری که خلأ آن در حقوق ایران کاملاً محسوس و منجر به ناکارآمدی قواعد ماهوی شده، دعاوی گروهی است که از آن به عنوان مهم‌ترین تحول آیین دادرسی مدنی در قرن ۲۰ یاد می‌شود.^۱ این نهاد در قاعده ۲۳ از قواعد آیین

1. Mulheron, Rachael, *The Class Action In Common Law Legal Systems: A Comparative Perspective*, 1st Edition, Oxford University Press, 2004, pp. 3-4.

دادرسی مدنی فدرال آمریکا پیش‌بینی شده و به موجب آن، هرگاه تعداد خواهان‌ها زیاد باشد^۱، لازم نیست همه دادخواهی کنند بلکه در شرایط خاص، یک یا چند تن از آنان می‌توانند اصالتاً و به نمایندگی از دیگران، دعوایی علیه خوانده اقامه کنند. البته نمایندگی ایشان قراردادی نیست، بلکه قانون دادخواهان را نماینده غایبان هم می‌داند مگر اینکه برخی از آنان بخواهند از گروه خارج شده، منفرداً دادخواهی کنند.^۲ این شیوه عمدتاً برای مواردی طراحی شده که خواسته جداگانه هر خواهان یا ارزش آن چندان نیست که دادخواهی انفرادی برای آن توجیه داشته باشد و در مقابل عدم دادخواهی خواهان هم جری‌تر شدن بیش از پیش خواننده را در پی دارد. لذا برای افزایش دسترسی افراد به دادگستری، تحقق بازدارندگی عام و خاص و اصلاح رفتار خواننده(گان) و خوانندگان بالقوه و کارآیی اقتصادی^۳ دادخواهی جمعی خواهان‌ها طراحی شده است. نظر به اینکه در این شیوه خواهان ضمن دادخواهی برای خود، به نمایندگی از دیگران هم اقدام می‌کند، لذا برای پیشگیری از تعارض منافع اصیل و نماینده و حفظ مصالح غایبان، دعوای خواهان باید نمونه‌ای از دعوای دیگر اعضای گروه باشد^۴ و وی شایستگی^۵ لازم برای سمت نمایندگی را داشته باشد.^۶ شرط اول تا حدود زیادی تضمین می‌کند که به موازات جلو رفتن دعوای خواهان، دعوای دیگر اعضای گروه هم پیش می‌رود و لذا خواهان نمی‌تواند مصالح گروه را فدای منافع شخصی خود کند. شرط دوم هم این اطمینان را ایجاد می‌کند که حتی با وجود شرط اول هم، خواهان آن دعوا لزوماً به عنوان نماینده گروه انتخاب نمی‌شود؛ بلکه باید شایستگی لازم را داشته باشد. شایستگی وی بر مبنای مؤلفه‌های مختلفی، مثل داشتن اطلاعات حقوقی در مورد موضوع دعوا و غیره بررسی می‌گردد.

۱. در مورد تعدد خوانندگان متعدد هم قابل اعمال است. □

2. Watson, Garry, «Class Actions: The Canadian Experience», *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol. 11, 2001, pp. 280-281.

3. Hodges, Christopher, *The Reform of Class and Representative Actions in European Legal Systems A New Framework for Collective Redress in Europe*, 1st Edition, Hart Publishing, 2008, p. 201; Good, Mathew, □ «Exploring the Goals of Canadian Class Actions», *Alberta Law Review*, Vol. 47, 2009, pp. 269-271.

4. Typicality

5. Adequacy of representation

البته شرایط متعدد دیگری چون تعدد خواهان‌ها، اشتراک در مسائل حکمی یا موضوعی، غلبه موضوعات مشترک بر مسائل فردی و برتری دعوای گروهی برای حل و فصل دعوای بر دیگر شیوه‌های حل و فصل دعوای مقرر شده که باید شرح مفصل آن را در جای دیگری جست؛ رک: طهماسبی، علی، «مطالعه تطبیقی شرایط دعوای گروهی در حقوق آمریکا و کانادا: آموزه‌هایی برای حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۳، ۱۳۹۳، صص. ۱۵۹ به بعد.

6. Mulheron, Rachael, *Op.cit*, p. 276; Anderson, Brian; and Andrew Trask, *Op.cit*, pp. 30-33.

۳-۱-۲. تعدد خواندگان

همانند خواهان، خوانده هم صرف‌نظر از حقیقی یا حقوقی بودن آن ممکن است واحد یا متعدد باشد. در فرض تعدد خواندگان آیا لازم است همه آنان طرف دعوا بوده، خواهان نام آنان را در دادخواست قید کند یا می‌تواند تنها علیه بعضی از ایشان دادخواهی کند. در تعیین احکام ناظر بر این وضعیت، از یک‌طرف مسئولیت تضامنی بدهکاران در برابر طلبکار نقش تعیین‌کننده دارد و از طرف دیگر، در فرض فقدان رابطه تضامن میان بدهکاران، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته از اهمیتی بسزا برخوردار است که به ترتیب بررسی می‌شود.

۱-۳-۱-۲. خواندگان متضامن

هرگاه خواندگان در برابر خواهان مسئولیت تضامنی داشته باشند، خواه یکی مدیون بوده و دیگران مسئول و یا همه آنان نسبت به بخشی از دین بدهکار و نسبت به باقیمانده مسئول باشند، طلبکار می‌تواند علیه همه یا بعضی از آنان دادخواهی نماید. برای مثال اگر دو خریدار در قرارداد بیع متعهد به پرداخت کل ثمن گردیده و متقابلاً مسئولیت تضامنی دو فروشنده هم به تحویل ماشین شرط گردیده است. خواسته خریداران مبنی بر تحویل ماشین قابل تجزیه نیست اما چون در قرارداد مسئولیت تضامنی فروشندگان شرط شده است، لذا حتی در صورت فوت یکی از آنان می‌توان بدون نیاز به دادخواهی علیه وراثت فروشنده متوفی، تسلیم مبیع را از فروشنده دیگر درخواست نمود. در مقابل اگر خریداران از پرداخت ثمن خودداری کنند، فروشندگان حق مطالبه تمام ثمن را از هریک از آنان دارند و دادخواهی علیه دو خریدار ضرورت ندارد.^۱ همچنین هر فروشنده می‌تواند صرفاً سهم خود را مطالبه نماید.^۲ البته در این زمینه نظر مخالف هم وجود دارد که مطابق آن طلبکار حق مطالبه انفرادی حتی به نسبت سهم خود و کمتر از آن را هم ندارد.^۳ برخی هم معتقدند دادخواهی هر شریک برای استیفای حق خود مجاز است؛^۴ زیرا اقامه دعوا تصرف حقوقی است و شرکای مال

۱. فرض ما این است که هر دو فروشنده با هر دو خریدار معامله کرده‌اند و نه هر فروشنده با یک خریدار.
 ۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶، ص. ۵۲؛ ایزانلو، محسن؛ و عباس میرشکاری، «نقد مفهوم و آثار طلب مشاع»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸، ص. ۱۰۶ به بعد.

۳. کاشانی، محمود، قراردادهای ویژه، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۸، ص. ۵۳.

۴. ظاهراً رویه قضایی هم به این نظر تمایل دارد. در دادنامه شماره ۶۰۹ مورخ ۶۹/۱۱/۲ شعبه ۹ دیوان آمده است: با توجه با اینکه دو نفر از وراثت مرحوم "ک" به اسامی بانوان "ن" (دختر) و "م" (عیال دائمی) در تقدیم دادخواست و اقامه دعوا دخالت ننموده‌اند، دادگاه می‌بایست حکم خود را مقید به قدرالسهم خواهان‌ها می‌نمود ... (بازگیر، یدالله، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، جاودانه، ۱۳۸۹، ص. ۳۱۳).

مشاع بدون نیاز به اذن دیگران می‌توانند در سهم خود تصرف کنند، اما وصول آن مستلزم تصرف مادی سهم سایر شرکا هم هست. بنابراین بدون اذن آنان، مجاز نیست.^۱ در تضامن طولی هم، این قضیه صادق است. برابر ماده ۲۴۹ ق.ت در اسناد تجاری، همه امضاکنندگان در برابر دارنده مسئولیت تضامنی دارند؛^۲ در عین حال دین آنان قابل تجزیه نیست و نمی‌توان از قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه دین سخن گفت، زیرا برات‌گیر و صادرکننده چک یا سفته، مدیون و سایر امضاکنندگان صرفاً مسئول پرداخت آن هستند و در صورت پرداخت وجه اسناد، می‌توانند به برات‌گیر و صادرکننده چک یا سفته رجوع نمایند.

در تعاقب ایادی غاصبان متعدد هم علی‌القاعده آخرین غاصب مسئول نهایی است و غاصبان پیشین جهت تضمین حق مالک در رسیدن به مال خود در برابر او مسئولند، لذا دین (در فرض تلف عین و اشتغال ذمه غاصبین به رد بدل) تنها بر ذمه آخرین غاصب است و دیگران ملتزم به تأدیه دین مالک بوده، در صورت پرداخت می‌توانند به غاصب نهایی مراجعه نمایند.^۳ در این مورد هم نمی‌توان از قابلیت تجزیه دین سخن به میان آورد؛ زیرا غیر از غاصب نهایی، سایرین مدیون نبوده، بلکه صرفاً در برابر مالک ملتزم به پرداخت هستند.

۲-۳-۱-۲. خواندگان غیرمتضامن

در مواردی خواندگان بالقوه متعدّدند، بدون اینکه مسئولیت ایشان در برابر خواهان تضامنی باشد. در این فرض قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته معیار ضرورت یا عدم ضرورت دادخواهی علیه همه خواندگان است که در ادامه بررسی خواهد شد.

← همچنین شعبه اول دیوان به موجب دادنامه شماره ۱/۸۸/۷۲ مورخ ۷۲/۲/۲۷ حکم داده است که با توجه به اینکه خواسته مطالبه طلب و سهم‌الارث و منافع حاصل از شرکت در کسب و تجارت است [و کلاً مالی بوده و قابلیت تقسیم و تفکیک به نسبت سهام شرکا را دارد، لذا طرح دعوا به طرفیت احد از شرکا و یا بعضی از آنان بلامانع بوده است. نتیجتاً صدور قرار عدم استماع دعوا به جهت عدم طرح آن به طرفیت تمام شرکا فاقد مجوز قانونی است (بازگیر، یدالله، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی، جلد ۲، چاپ اول، تهران، جاودانه، ۱۳۸۹، ص. ۲۴۴).

۱. صفایی، سیدحسین، تصرف در طلب مشاع، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۷۵، ص. ۱۰۱ ایزانلو، محسن؛ و عباس میرشکاری، منبع پیشین، ص. ۹۸.
 ۲. اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، چاپ نهم، تهران، سمت، ۱۳۸۴، صص. ۱۴۴ - ۱۴۰؛ کاویانی، کورش، حقوق تجارت ۳: اسناد تجاری، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۷، صص. ۱۳۰ - ۱۲۲؛ ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۳، چاپ سوم، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶، صص. ۶۵ - ۵۶.

۳. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران، دادگستر، ۱۳۷۹، ص. ۲۲۵.

۱-۲-۳-۱-۲. قابل تجزیه بودن خواسته

در صورتی که خوانندگان متعدد بوده، خواسته خواهان علیه آنان قابل تجزیه باشد، طرح دعوا علیه بعضی از آنان قانوناً معتبر است و اشکالی بر آن وارد نیست. در نتیجه دادخواهی علیه همه یا برخی از آنان به تصمیم خواهان بستگی دارد. برای مثال اگر شخصی یک دستگاه خودرو از سه نفر خریداری نماید و بعد از تحویل گرفتن آن، عیب خودرو بر وی آشکار گردد، می‌تواند نسبت به سهم همه معامله را فسخ یا از آنان مطالبه ارش کند یا نسبت به یکی از فروشندگان معامله را فسخ و از دیگران مطالبه ارش کرده یا نسبت به همه از فسخ و ارش صرف‌نظر نماید.^۱ بنابراین اگر خریدار تنها نسبت به یکی از فروشندگان معامله را فسخ کرده و تنفیذ آن را از دادگاه بخواهد، دادگاه تنها در مورد خواهان و خواننده اتخاذ تصمیم کرده، به هیچ‌وجه در مورد دیگر خوانندگان نفاً یا اثباتاً رأی صادر نخواهد کرد، زیرا به موجب ماده ۴۳۳ قانون مدنی، اگر در یک عقد بایع متعدد باشد مشتری می‌تواند سهم یکی را رد و دیگری را با اخذ ارش قبول کند. در نتیجه حضور دو فروشنده دیگر و دادخواهی خواهان علیه آنان برای رسیدگی به دعوا ضرورت ندارد.

۲-۲-۳-۱-۲. عدم قابلیت تجزیه خواسته

هرگاه خوانندگان متعدد بوده، دعوای خواهان علیه آنان قابل تجزیه نباشد و دادرسی ناگزیر باشد در مورد همه آنان اتخاذ تصمیم نماید، حضور تمامشان در دادرسی ضروری است. لذا خواهان باید با قید نام آنان به عنوان خواننده در دادخواست، علیه ایشان دادخواهی نماید و آلا رسیدگی به دعوا قانوناً ممتنع بوده، صدور قرار عدم استماع دعوا را در پی خواهد داشت. فرضاً اگر در مثال فوق خریدار مدعی باشد به علت تحقق شرط فاسخ معامله منحل شده یا ولی او اعلام بطلان معامله را به علت جنون مولی علیه در زمان انعقاد قرارداد درخواست کند، اتخاذ هرگونه تصمیمی در مورد دعوا نسبت به تمام فروشندگان (خوانندگان بالقوه) مؤثر بوده و معامله را نسبت به آنان باطل، منفسخ یا صحیح اعلام می‌دارد؛ در نتیجه موازین حقوقی و عدالت ایجاب می‌کند، امکان حضور و داشتن فرصت دفاع برای آنان در دادرسی فراهم گردد و بدون رعایت این قاعده دعوای خواهان قابل استماع نیست.

۴-۱-۲. تعداد خواهان‌ها و خوانندگان

در فرض تعدد خواهان‌ها و خوانندگان، می‌توان چهار فرض را از هم تفکیک کرد. اینکه بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود داشته و خوانندگان هم مسئولیت تضامنی داشته باشند. بین خواهان‌ها رابطه تضامنی موجود باشد اما خوانندگان فاقد مسئولیت

۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، منبع پیشین، ص. ۳۰۴.

تضامنی باشند. میان خواهان‌ها رابطه تضامنی وجود نداشته باشد اما خواندگان متضامناً مسئول باشند. و سرانجام نه بین خواهان‌ها رابطه تضامنی وجود داشته باشد و نه خواندگان مسئولیت دارای مسئولیت تضامنی باشند که به ترتیب بررسی می‌گردند.

۱-۴-۱-۲. تضامن خواهان‌ها و مسئولیت تضامنی خواندگان

هرگاه چند خواهان و چند خواننده بالقوه قابل تصور باشد، ممکن است بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود داشته و در عین حال خواندگان هم در برابر آنان مسئولیت تضامنی داشته باشند. لذا همه یا بعضی از خواهان‌ها می‌توانند علیه همه یا بعضی از خواندگان اقامه دعوا نمایند و دادخواهی جمعی خواهان‌ها علیه همه خواندگان ضرورت ندارد. برای مثال دو شخص به موجب قراردادی یک قطعه باغ به دو شخص دیگر فروخته‌اند. در قرارداد تضامن میان خریداران برای قبض باغ و مسئولیت تضامنی فروشندگان به تحویل مبیع شرط گردیده است، در این صورت هریک از خریداران می‌تواند الزام هر فروشنده را به تحویل مبیع درخواست نماید و دادخواهی جمعی آنان علیه هر دو فروشنده الزامی نیست.

۲-۴-۱-۲. تضامن خواهان‌ها و خواندگان غیرمتضامن

گاه ممکن است بین خواهان‌های بالقوه رابطه تضامن وجود داشته باشد، اما خواندگان فاقد مسئولیت تضامنی باشند. در این وضعیت، خواهان‌ها می‌توانند به صورت جمعی یا فردی دادخواهی نمایند. اما در مقابل در مورد لزوم یا عدم لزوم دادخواهی ایشان علیه همه خواندگان، قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته نقش تعیین‌کننده دارد. به این معنا که اگر خواسته قابل تجزیه باشند، می‌توان علیه بعضی از آنان دادخواهی کرد و در صورت عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی علیه همه آنان ضروری است و الا قرار عدم استماع دعوا صادر می‌گردد. برای مثال اگر در قرارداد بیع یک دستگاه ماشین سواری، رابطه تضامن میان خریداران برای قبض مبیع شرط شده باشد، هر یک از آنان می‌توانند با تقدیم دادخواست به دادگاه صالح تحویل مبیع را درخواست کنند. در عین حال نظر به عدم قابلیت تجزیه خواسته (چون اقدام هر فروشنده به تسلیم مبیع تصرف در سهم دیگر شرکا هم هست) لازم است همه فروشندگان به عنوان خواننده به دادرسی فراخوانده شوند و آلا ورود در ماهیت دعوا و صدور حکم له یا علیه ایشان ممکن نیست. اما هرگاه فروشندگان مبیع را تحویل خریداران داده و از تنظیم سند به نام ایشان خودداری نمایند و یکی از فروشندگان قبل از دادخواهی خریداران بمیرد و تعیین وراثت وی به آسانی ممکن نباشد، هریک از خریداران یا هر دو می‌توانند علیه سایر فروشندگان دعوای الزام به تنظیم سند رسمی (به نسبت سهم آنان) اقامه نمایند؛ زیرا تنظیم سند، تصرف حقوقی است و تنظیم سند

رسمی نسبت به سهم بعضی از فروشندگان با تصرف در سهم سایر شرکا ملازمه ندارد و در نتیجه چون حکمی له یا علیه ایشان صادر نمی‌گردد، حضورشان در دعوا به عنوان خواننده ضرورت ندارد.

۲-۱-۴-۳. عدم تضامن خواهان‌ها و خوانندگان متضامن

فرض دیگر آن است که بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود نداشته اما خوانندگان مسئولیت تضامنی داشته باشند. در این فرض می‌توان علیه همه یا بعضی از خوانندگان تظلم‌خواهی و تمام (یا بعض) خواسته را از ایشان مطالبه کرد. متقابلاً باید دید دادخواهی جمعی خواهان‌ها ضروری است یا یکی از ایشان می‌تواند به نسبت سهم خود دادخواهی نماید؟ پاسخ به این سوال هم به قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته بستگی دارد، در صورت قابل تجزیه بودن خواسته، یک خواهان می‌تواند تنها نسبت به سهم خود علیه خواننده یا خوانندگان طرح دعوا نماید. بر عکس در فرض عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی جمعی ایشان اجتناب‌ناپذیر است، زیرا دادخواهی او با اتخاذ تصمیم نسبت به سهم دیگر خواهان‌های بالقوه هم ضرورت دارد. برای مثال اگر در قرارداد بیع مسئولیت تضامنی فروشندگان به تحویل مبیع شرط شده اما تضامن خریداران در قبض مبیع پیش‌بینی نشده باشد، اقامه دعوای الزام به تحویل مبیع علیه هریک از فروشندگان قانوناً فاقد اشکال است.^۱ اما نظر به عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی جمعی خریداران ضروری است. زیرا قبض مبیع به وسیله هریک از ایشان با قبض سهم دیگر خریداران ملازمه دارد و در نتیجه اقامه دعوا جمعی به وسیله آنان اجتناب‌ناپذیر است و آلا قرار عدم استماع دعوا صادر خواهد شد. بر عکس در دعوای الزام به تنظیم سند رسمی، هر یک از خریداران می‌تواند دعوای الزام به تنظیم سند رسمی را نسبت به سهم خود علیه همه یا بعضی از فروشندگان اقامه نماید، زیرا چنین دعوایی قابل تجزیه است و دادرس به سود یا زیان دیگر خریداران رأی صادر نمی‌کند.

۱. پیداست که دعوای الزام به تحویل مبیع با دعوای خلع بد فرق دارد؛ زیرا در اولی خواسته خواهان، قبض ملک است که با تصرف مادی در سهم دیگر خریداران ملازمه دارد؛ اما در دومی (و بطور کلی تمام دعوای انتزاع بد)، صرفاً خارج کردن مال از تصرف خواننده مطرح است و با تصرف مادی خواهان بر ملک ملازمه ندارد. البته ظاهراً رویه قضایی در خصوص این موضوع مشتت است. بعضی دادگاه‌ها، دعوا را قابل استماع نمی‌دانند، اما در مقابل برخی دیگر دعوا را قابل استماع دانسته و با استفاده از وحدت ملاک ماده ۴۳ قانون اجرای احکام مدنی، تصرف محکوم‌له بر مبیع را منوط به توافق شرکا می‌دانند. نظر اول مرجع است، زیرا در صورت پذیرش نظر اخیر و عدم توافق شرکا، اجرای حکم با مشکل مواجه می‌گردد و قاعدتاً آنان باید برای تقسیم افزای مال اقدام قانونی لازم را به عمل آورند؛ به علاوه خواسته خواهان تحویل مبیع بوده و دادگاه در چارچوب خواسته او رسیدگی کرده و حکم می‌دهد.

۲-۴-۴. عدم تضامن خواهان‌ها و خوانندگان

سرانجام در بحث تعدد خواهان‌ها و خوانندگان باید فرضی را بررسی نمود که نه بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود دارد و نه برای خوانندگان مسئولیت تضامنی پیش‌بینی شده است. در این صورت قابلیت یا عدم قابلیت تجزیه خواسته، ملاک لزوم یا عدم لزوم دادخواهی جمعی خواهان‌ها علیه همه یا بعضی از خوانندگان است. بر این اساس ممکن است خواسته نسبت به هر دو طرف دعوا (خواهان‌ها و خوانندگان) غیر قابل تجزیه یا قابل تجزیه باشد یا نسبت به یک طرف قابل تجزیه و نسبت به طرف دیگر غیر قابل تجزیه باشد. برای مثال دعوی چند خریدار یک دستگاه اتومبیل سواری علیه چند فروشنده آن برای تحویل مبیع نسبت به طرفین غیرقابل تجزیه است. زیرا اقدام به تحویل مبیع به وسیله هر فروشنده مستلزم تصرف مادی در سهم سایر شرکا هم هست؛ متقابلاً قبض آن به وسیله هر خریدار، منجر به تصرف مادی سهم دیگر خریداران می‌گردد که قانوناً مجاز نیست. در نتیجه همه خریداران باید علیه همه فروشندگان دادخواهی نمایند و آلا امکان ورود در ماهیت برای دادرسی وجود ندارد. برعکس دعوی الزام به تنظیم سند رسمی علیه چند فروشنده (خواسته از جانب خوانندگان قابل تجزیه است؛ زیرا هر یک می‌تواند مستقلاً سهم خود را به خریداران منتقل کند) نسبت به هر دو طرف دعوا قابل تجزیه است و هر خریدار می‌تواند علیه همه فروشندگان دعوی الزام به تنظیم سند رسمی اقامه نموده یا علیه یک فروشنده نسبت به سهم او از ملک موصوف اقامه دعوا نماید. لذا اگر سه فروشنده هر یک مالک دو دانگ ملکی بوده و جمعاً آن را به دو خریدار فروخته و سهم خریداران برابر باشد، در این صورت یک خریدار می‌تواند علیه سه فروشنده دعوی الزام به تنظیم سند رسمی سه دانگ سهم خود را درخواست کرده یا علیه یک فروشنده دادخواهی کرده و الزام او را به تنظیم سند یک دانگ سهم خود مطالبه نماید.

اما گاهی ممکن است خواسته تنها نسبت به خواهان‌ها قابل تجزیه باشد. برای مثال فرض کنید دو شخص مالک مالی بوده‌اند که به موجب یک قرارداد به چند خریدار انتقال یافته است. هر دو مالک مدعی فضولی بودن معامله هستند و یکی از آنان دعوی اعلام بطلان معامله فضولی را نسبت به سهم خود علیه خریداران اقامه می‌کند (خواسته از جانب خواهان‌ها، قابل تجزیه است). این دعوا نسبت به خریداران (خوانندگان دعوا) غیرقابل تجزیه است زیرا صدور حکم بر صحت یا بطلان معامله مربوط به سهم خواهان، نسبت به همه آنان (خریداران) مؤثر است. در نتیجه دادخواهی علیه همه آنان برای ورود دادرسی به ماهیت دعوا ضروری است. بر عکس خواسته از جانب خواهان‌ها قابل تجزیه بوده، دادخواهی جمعی آنان ضرورت ندارد، زیرا اعلام بطلان معامله نسبت

به سهم یک فروشنده، با اتخاذ تصمیم نسبت به سهم فروشنده دیگر ملازمه ندارد، زیرا حتی بر فرض فضولی بودن معامله نسبت به سهم شریک دیگر، ممکن است او معامله را تنفیذ کرده یا در آینده آن را تنفیذ نماید. همچنین در مواردی ممکن است خواسته از جانب خواندگان قابل تجزیه و نسبت به خواهان‌ها غیرقابل تجزیه باشد. برای مثال دو شخص سفته‌ای در وجه دو شخص دیگر صادر می‌کنند. در حقوق ایران مطابق نظر غالب دکترین مسئولیت صادرکننده‌ها نسبی است.^۱ در نتیجه می‌توان به نسبت سهم هر صادرکننده علیه او دادخواهی نمود و حضور هر دو به عنوان خوانده در دادرسی ضرورت ندارد (البته هر عاقلی ترجیح می‌دهد در یک دعوا علیه هر دو دادخواهی نماید اما ممکن است یکی از آنان از دنیا رفته و شناسایی وراثت او به سادگی امکان‌پذیر نباشد). اما در مقابل برابر برخی نظرات، دارندگان باید به صورت جمعی علیه صادرکننده یا صادرکنندگان دادخواهی نمایند، زیرا هر بخش از طلب که وصول شود، مال مشاع بوده و متعلق به هر دوی ایشان است.^۲

۱. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، منبع پیشین، صص. ۲۰۷ - ۲۰۶.

۲. کاشانی، محمود، منبع پیشین.

نتیجه‌گیری

در صورت تعدد اصحاب بالقوه دعوا، لزوم یا عدم لزوم دادخواهی همه خواهان‌ها علیه همه خواندگان و امکان یا عدم امکان قانونی دادخواهی بعضی از خواهان‌ها علیه بعضی از خواندگان، مسائل جالب و دقیقی را پیش می‌کشد که عدم توجه به آن از سوی خواهان می‌تواند منجر به صدور قرار عدم استماع دعوا گردد. در صورت تعدد خواهان‌ها و وجود رابطه تضامن میان ایشان، دادخواهی جمعی یا فردی ایشان علیه خواننده کاملاً با موازین حقوقی منطبق است. اما در فرض متضامن نبودن ایشان، در صورت قابلیت تجزیه خواسته، هریک از خواهان‌ها می‌تواند در مورد سهم خود دادخواهی کند. بر عکس در فرض عدم قابلیت تجزیه خواسته، دادخواهی انفرادی ممکن نیست و لازم است آنان جمعاً اقامه دعوا نمایند. هرگاه خواهان‌های متعدد در صد اقامه دعوا علیه خواننده یا خواندگان مشترک باشند و در عین حال دارای مسائل مشترک حکمی یا موضوعی باشند، بدون اینکه ارتباطی خاص بین خواهان‌ها وجود داشته باشد، در نظام دادرسی مدنی ایران مجوزی برای تجمیع دعاوی خواهان‌ها در یک دادخواست وجود ندارد. در حالی که تجویز قانونی چنین فرایندی می‌تواند صرفه جویی در منابع، حفظ اعتبار دستگاه قضایی از طریق صدور احکام یکسان در دعاوی مشابه و کاهش حجم دعاوی را در پی داشته باشد، بدون اینکه تالی فاسدی بر آن مترتب باشد. لذا به نظر می‌رسد که همانند ماده ۳۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری باید در اصلاحات آتی قانون آیین دادرسی مدنی، وجود چنین نهادی پیش‌بینی گردد.

در فرض تعدد خواندگان و مسئولیت تضامنی ایشان، خواهان می‌تواند علیه تمام یا برخی از آنان دادخواهی نموده، محکومیت ایشان را از دادگاه درخواست کند. اما در فرض متضامن نبودن ایشان، هرگاه خواسته قابل تجزیه نباشد، خواهان باید همه آنان را طرف دعوا قرار دهد و آلا دادرسی بدون ورود در ماهیت دعوا، قرار رد یا عدم استماع دعوا را صادر خواهد نمود. برعکس در صورت قابلیت تجزیه خواسته، خواهان می‌تواند علیه هر خواننده به نسبت سهمش منفرداً دادخواهی کند. در صورت تعدد هر دو طرف دعوا، هرگاه بین خواهان‌ها رابطه تضامن وجود داشته، خواندگان هم متضامناً مسئول باشند، دادخواهی همه یا برخی از خواهان‌ها علیه همه یا برخی از خواندگان قانوناً بلامانع است. در صورت متضامن نبودن خواهان‌ها و عدم مسئولیت تضامنی خواندگان و عدم قابلیت تجزیه خواسته نسبت به هر دو طرف دعوا، دادخواهی خواهان‌ها باید جمعی و علیه همه خواندگان باشد و آلا ورود به ماهیت دعوا ممکن نیست. در صورت قابلیت تجزیه خواسته از جانب خواهان‌ها، هریک از آنان می‌تواند علیه همه خواندگان

به نسبت سهم خود اقامه دعوا نماید. برعکس هرگاه خواسته نسبت به خواندگان قابل تجزیه و نسبت به خواهان غیرقابل تجزیه باشد، همه خواهان‌ها باید دادخواهی نمایند و به صلاحدید خود می‌توانند علیه همه خواندگان یا بعضی از ایشان دادخواهی کنند.

منابع

- احمدی، خلیل، «مطالعه تطبیقی مفهوم و انواع دعاوی بین اشخاص مختلف»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۴، ۱۳۹۳.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، چاپ نهم، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- ایزانلو، محسن؛ و عباس میرشکاری، «نقد مفهوم و آثار طلب مشاع»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- بازگیر، بدالله، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، جاودانه، ۱۳۸۹.
- _____، آرای دیوان عالی کشور در امور حقوقی، جلد ۲، چاپ اول، تهران، جاودانه، ۱۳۸۹.
- خدابخشی، عبدالله، حقوق دعاوی: قواعد عمومی دعاوی، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۲.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد ۳، چاپ سوم، تهران، دادگستر، ۱۳۷۶.
- سیفی، سید جمال، «رأی پرونده موسوم به هموفیلی‌ها: نگاهی نو به مسئولیت مدنی دولت در رویه قضایی ایران»، مجله پژوهش‌های حقوق، شماره ۸، ۱۳۸۴.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، چاپ بیست و ششم، تهران، نشر دراک، ۱۳۹۳.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ چهارم، نشر حقوقدان، تهران، ۱۳۷۷.
- صفایی، سیدحسین، تصرف در طلب مشاع، مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۷۵.
- طهماسبی، علی، «مطالعه تطبیقی شرایط دعوی گروهی در حقوق آمریکا و کانادا: آموزه‌هایی برای حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۳، ۱۳۹۳.
- کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، چاپ اول، تهران، دادگستر، ۱۳۷۹.
- _____، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- _____، اعمال حقوقی: قرارداد و ایقاع، چاپ یازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
- _____، مشارکت‌ها و صلح، چاپ چهارم، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۶.
- کاشانی، محمود، قراردادهای ویژه، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۸.

– کاویانی، کورش، حقوق تجارت ۳: اسناد تجارتي، چاپ دوم، تهران، میزان، ۱۳۸۷.

- Anderson, Brian; and Andrew Trask, *The Class Action Playbook*, 1st Edition, USA, Oxford University Press, 2010.
- Effron, Robin, "Shadow Rules of Joinder", *Georgetown Law Journal*, Vol. 100, 2012.
- Good, Mathew, "Exploring the Goals of Canadian Class Actions", *Alberta Law Review*, Vol. 47, 2009.
- Hodges, Christopher, *The Reform of Class and Representative Actions in European Legal Systems A New Framework for Collective Redress in Europe*, 1st Edition, Hart Publishing, 2008.
- Mulheron, Rachael, *The Class Action In Common Law Legal Systems: A Comparative Perspective*, 1st Edition, Oxford University Press, 2004.
- Kerley, Peggy; Joanne; Hames; and Paul Sukys, *Civil Litigation*, 5th Edition, Delmar Cengage Learning, 2009.
- Uzelac, Alan, *Goals of Civil Justice and Civil Procedure in Contemporary Judicial Systems*, 1st edition, Springer, 2014.
- Watson, Garry, «Class Actions: The Canadian Experience», *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol. 11, 2001.